

بررسی تأثیر تغییر در ساختار کنترل کنندگان شرکت بر تغییر مؤسسات حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فرشید خیرالهی*

احسان محبی**

چکیده

در سال های اخیر تغییرات حسابرسان و دلایل این تغییرات، توجه زیادی را به خود جلب کرده و از مباحث چالشبرانگیز برای سرمایه گذاران، مقررات گذاران و محققان بوده است. تغییر مؤسسات حسابرسی می تواند بر کیفیت کار حسابرسی اثر قابل ملاحظه ای داشته باشد. در این تحقیق ارتباط بین تغییر کنترل کنندگان شرکت (شامل تغییر در سهامداران اصلی، تغییر رئیس هیأت مدیره و تغییر مدیرعامل) و تغییر مؤسسات حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. از اطلاعات ۶۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۹ ساله از ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ استفاده شده است. با توجه به اینکه متغیر وابسته یک متغیر مجازی با مقادیر صفر و یک است؛ لذا از روش رگرسیون چند متغیره لجستیک استفاده شده است. یافته های تحقیق بیانگر این است که تغییر کنترل کنندگان شرکت با تغییر مؤسسات حسابرسی دارای ارتباط معنیدار است و هنگامی که تغییر گستردهای در کنترل کنندگان شرکت رخ می دهد، تغییر مؤسسات حسابرسی محتمل خواهد بود.

واژگان کلیدی: تغییر مؤسسات حسابرسی، تغییر کنترل کنندگان

* استادیار گروه حسابداری دانشگاه رازی

** کارشناس ارشد حسابداری و عضو هیأت علمی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

ehsanmohebi62@gmail.com

مقدمه

۹۰

بررسی تأثیر تغییر در ساختار کنترل کنندگان شرکت بر تغییر مؤسسات حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تغییر مؤسسات حسابرسی^۱ و دریافت اظهار نظر دلخواه مدیریت^۲، از موضوعات مهم و قابل توجه برای سرمایه گذاران، مقررات گذاران و محققان است. دریافت اظهار نظر دلخواه مدیریت به وضعیتی اشاره دارد که مدیریت به منظور تحمیل ارقام و رویه های حسابداری مورد نظر خود، اقدام به جایگزین کردن حسابرس مینماید. تغییر مؤسسات حسابرسی معمولاً باعث میشود اعتماد سرمایه گذاران به صورت های مالی کاهش یابد، به خصوص اگر تغییر مؤسسات حسابرسی با اخبار ناخوشایند و تردید نسبت به مؤسسه حسابرسی جدید، همراه باشد. در این زمینه تحقیقات گسترده داخلی و خارجی، دلایل زیادی را برای تغییر مؤسسات حسابرسی بیان کرده اند، از جمله این دلایل می توان به مواردی مانند افزایش دستمزد درخواستی توسط حسابرس، بهبود قابلیت اتکای صورت های مالی، بهبود کیفیت کار حسابرسی، کاهش هزینه های نمایندگی و دریافت اظهار نظر دلخواه مدیریت اشاره کرد (فیرس ۱۹۹۹،^۳). از میان این موارد، دریافت اظهار نظر دلخواه مدیریت توجه بیشتری را به خود جلب نموده است. با این وجود نتایج تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد که معمولاً تلاش مدیران برای دریافت اظهار نظر مطلوب تر ناموفق می باشد. در پژوهش حاضر به بررسی دلایل تغییر مؤسسات حسابرسی با توجه به تغییر کنترل کنندگان واحد تجاری پرداخته میشود. اهمیت پژوهش حاضر در این است که به گونه های تجربی به تحلیلگران، سرمایه گذاران، مدیران و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری نشان می دهد که آیا بین تغییر کنترل کنندگان شرکت و تغییر مؤسسات حسابرسی رابطه معنی داری وجود دارد یا خیر؟

بیان مسئله

اظهار نظر حسابرسان مستقل باعث افزایش اعتبار و قابلیت اتکای صورت های مالی میشود؛ اما اگر در ارتباط با واحد تجاری تحت رسیدگی استقلال کافی نداشته باشند، قادر به ایجاد ارزش و افزایش اعتبار و قابلیت اتکای صورت های مالی نخواهند بود. از جمله مواردی که ممکن است استقلال حسابرسان را تحت تأثیر قرار دهد، تغییر مؤسسات حسابرسی به منظور تحمیل ارقام و رویه های حسابداری توسط مدیریت واحد تجاری می باشد؛ البته به نظر نمیرسد دریافت اظهار نظر دلخواه مدیریت از جمله دلایل تغییر مؤسسات حسابرسی باشد. یافته های حاصل از تحقیقات به عمل آمده نشان می دهد شرکت هایی که بعد از پذیرش گزارش مقبول، حسابرس خود را تغییر میدهند، به احتمال ۶۴/۱ درصد گزارش مقبول دریافت خواهند کرد؛ از سوی دیگر، شرکت هایی که بعد از پذیرش گزارش مقبول حسابرسان خود را تغییر نمیدهند، به احتمال ۶۴ درصد گزارش مقبول دریافت خواهند کرد. به عبارت دیگر، شرکتی که گزارش مقبول دریافت کرده در صورت تغییر یا عدم تغییر مؤسسه حسابرسی، به احتمال ۶۴ درصد گزارش مقبول دریافت خواهد کرد (گوکین ۹، ۲۰۱۲). با در

نظر گرفتن این یافته ها، دریافت گزارش مقبول نمی تواند هدف اصلی شرکت ها در تغییر مؤسسات حسابرسی باشد، اگر یک شرکت نمی تواند اظهار نظر مطلوبتر به دست آورد، چرا بعد از اینکه گزارش مقبول دریافت کرد، اقدام به جایگزینی حسابرس میکند؟ میانگین نرخ بازده دارایی ها (ROA) در جدول شماره یک ارائه شده است. نتایج بدست آمده از این جدول نشان می دهد، با کاهش نرخ بازده دارایی ها، درصد تغییرات کنترل کنندگان شرکت هم افزایش می یابد. به عبارت دیگر شرکت هایی که عملکرد ضعیفی دارند، به احتمال زیاد سهامداران اصلی، رئیس هیأت مدیره یا مدیر عامل آنها تغییر خواهد کرد؛ لذا به نظر میرسد که شرکت ها، مؤسسه حسابرسی خود را به دلیل عملکرد ضعیف یا تغییر کنترل کنندگان تغییر خواهند داد.

جدول ۱- نرخ بازده دارایی ها

میانگین نرخ بازده دارایی ها (ROA)	کمتر از منفی ۱۵ درصد	بین منفی ۱۵ و منفی ۵ درصد	بین منفی ۵ و ۵ درصد	بالاتر از ۵ درصد
تغییر سهامداران اصلی (درصد)	۱۸	۱۳	۹	۶
تغییر رئیس هیأت مدیره (درصد)	۴۰	۳۲	۲۵	۱۷
تغییر مدیر عامل (درصد)	۴۴	۳۷	۲۸	۲۱
تغییر حسابرس (درصد)	۲۰	۱۱	۱۰	۷

انتقال سهام کنترلی در بورس اوراق بهادار تهران این فرصت را فراهم میکند که رابطه بین تغییر کنترل کنندگان و تغییر مؤسسات حسابرسی مورد آزمون قرار گیرد. با توجه به موارد فوقالذکر، در این پژوهش ارتباط بین تغییر کنترل کنندگان شرکت (شامل تغییر در سهامداران اصلی شرکت، تغییر رئیس هیأت مدیره و تغییر مدیر عامل) و تغییر مؤسسات حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد بررسی قرار میگیرد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تغییر مؤسسات حسابرسی و دریافت اظهار نظر دلخواه مدیریت

بسیاری از تحقیقات انجام شده شواهدی از تغییر حسابرسان بعد از دریافت اظهار نظر تعدیل شده توسط شرکت را گزارش کرده اند. از سوی دیگر، این تحقیقات نشان می دهد که واحد های تجاری در تلاش برای دریافت اظهار نظر دلخواه خود ناموفق بوده اند (جو و رایس ۱۹۸۲)^۴؛ کریشمن و استفان ۱۹۹۵^۵؛ جنگ و یانگ ۲۰۰۱^۶. نتایج تحقیق جو و رایس (۱۹۸۲) بیانگر این بود که بعد از تغییر مؤسسه حسابرسی، نوع اظهار نظر حسابرس جدید در گزارش حسابرسی سال بعد معمولاً تغییر نمیکند. همچنین آنها پی بردند به نظر نمیرسد که شرکت هایی که حسابرسان خود را تغییر میدهند، در سال بعد گزارش مقبول دریافت کنند. کریشمن و استفان در سال ۱۹۹۵ به این نتیجه رسید که در صورتی که حسابرسان از رویه های محافظه کارانه استفاده کنند، احتمال تغییر مؤسسات حسابرسی افزایش مییابد. در این پژوهش به بررسی رویه های شرکت هایی پرداخته شد که اقدام به جایگزینی حسابرس کرده بودند. نتایج تحقیق نشان می دهد که هم حسابرسان قبلی و هم حسابرسان جانشین به گونه ای محافظه کارانه در این نوع واحد های تجاری، با رویه های آنان برخورد کرده اند، به عبارت دیگر واحدهای تجاری که اقدام به تغییر حسابرسان خود نموده اند، در دریافت اظهار نظر دلخواه خود ناموفق بوده اند. یافته های جنگ و یانگ ۲۰۰۱^۶ در کشور چین نشان می دهد، احتمال کناره گیری حسابرس در واحد های تجاری که دچار درماندگی مالی شده اند بیشتر است. به علاوه، در این واحد های تجاری تغییرات در مدیریت و سهامداران اصلی هم بیشتر می باشد.

شواهد تحقیق لنوکس^۷ (۲۰۰۰) نشان دهنده عدم تفاوت معنی دار بین اظهار نظر حسابرسان قبل و بعد از تغییر حسابرس می باشد. لنوکس در این زمینه استدلال می آورد که واحدهای تجاری در دریافت اظهار نظر دلخواه خود ناموفق هستند. در داده هایی که او جمع آوری کرده بود، شرکت هایی که قبل از تغییر حسابرس گزارش غیر مقبول دریافت کرده بودند، تغییر معنی داری در نوع گزارش آنان بعد از تغییر حسابرس نیز مشاهده نشده بود. در پژوهشی دیگر، لنوکس^۷ (۲۰۰۵) در بررسی داده های مربوط به ۳۲ کشور به شواهدی دست یافت که نشان می دهد بین مالکیت مدیریت و اندازه موسسه حسابرسی رابطه منفی و معنی دار وجود دارد. تحقیق او این دیدگاه را که حسابرسی یک نقش نظارتی با ارزش را دارا هست، تقویت میکند. در واقع واحد های تجاری با درصد مالکیت مدیریت پایین برای کاهش مسائل نمایندگی، با احتمال بیشتری مؤسسات حسابرسی بزرگ را استخدام مینمایند.

تغییر کنترل کنندگان و تغییر مؤسسات حسابرسی

تحقیقات لیو^{۱۵} و دیگران (۲۰۱۰) نشان می دهد که از زمان تاسیس و ایجاد بسیاری از بازار های اوراق بهادار در کشورهای مختلف، حق انتخاب حسابرس تحت کنترل سهامداران اصلی و مدیریت

واحد های تجاری بوده است. در واقع در بازار های مختلف دنیا، کنترل کنندگان واحدهای تجاری، حق دارند حسابرسان مورد نظر خود را استخدام نمایند. ژانگ^{۱۴} و ژانگ (۲۰۰۷) در ارتباط با دلایل تغییر حسابرسان، استدلال جالبی دارند. به اعتقاد آنان نوع رابطه ای که در حال حاضر بین حسابرسان - مشتری وجود دارد، در بررسی دلایل تغییر حسابرسان دارای نقش اساسی میباشد. در واقع کنترل کنندگان واحد تجاری، نقش نماینده واحد تجاری را دارا هستند که از طرف آن حق دارند حسابرسان مورد نظر خود را استخدام نمایند. بنابراین تغییر در کنترل کنندگان واحد تجاری (سهامداران اصلی، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل) ممکن است به تغییر حسابرسان منجر شود.

بسیاری از شرکت هایی که دچار درماندگی مالی شده اند، در عین حال دارای زیانهای انباشته و اهرم مالی بالا هم هستند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که در این حالت احتمال ورشکستگی، تغییر کنترل کنندگان و تغییر حسابرسان افزایش میابد. شوارتز و منون^{۱۵} (۱۹۸۵) دریافتند که شرکت های بحران زده و دارای مشکلات مالی، بیشتر از رویه هایی استفاده میکنند که سود را بیشتر نشان دهد، در این راستا معمولاً حسابرسان موضوعی را انتخاب میکنند که منطبق بر تمایلات مدیریت نیست؛ یکی از راهکارهای پیشروی مدیریت در چنین وضعیتی، جستجوی حسابرسانی است که نقطه نظرات آنها با ترجیحات مدیریت همسویی بیشتری داشته باشد، همچنین نتایج بررسی آنها نشان می دهد که احتمال استعفای حسابرسان در صورتی که شرکت دچار درماندگی مالی شود افزایش میابد. این شرکت ها به احتمال زیاد شاهد تغییر در سهامداران کنترل کننده، اعضای هیأت مدیره، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل خواهند بود.

گوکین^{۱۶} در سال ۲۰۱۲ به شواهدی در کشور چین دست یافت که نشان می دهد احتمال تغییر حسابرسان در صورت تغییر کنترل کنندگان واحد تجاری بیشتر خواهد بود. شواهد تجربی این تحقیق حاکی از این است که تغییر حسابرسان به صورت مثبت و معنی دار با تغییر سهامداران اصلی، مدیر عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت ارتباط دارد. به علاوه نتایج این پژوهش نشان می دهد در صورتی که سهامدار کنترل کننده جانشین در ایالت دیگری حضور دارد، حسابرسان با احتمال قوی تری جایگزین شده و حسابرسان جدید از همان ایالتی خواهد بود که سهامدار کنترل کننده اصلی در آن قرار دارد.

در تحقیقی که به صورت پرسشنامه ای و از طریق وب سایت توسط بیتنی و فرنلی^{۱۷} (۱۹۹۵) انجام گردید، ۱۴ درصد از پاسخدهندگان اعتقاد داشتند ترکیب و ادغام شرکت ها یکی از دلایل اصلی تغییر مؤسسات حسابرسی است. فیرس (۱۹۹۹) به این نتیجه رسید که از ۱۷۵ ترکیبی که در انگلستان طی سال های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۲ انجام شد، در ۱۴۱ مورد حسابرسان شرکت های فرعی جایگزین شدند. در این خصوص او استدلال می آورد که شرکت ها برای افزایش کارایی و صرفه جویی در هزینه ها اقدام به این جایگزینی می کنند. در واقع استخدام یک موسسه در مقایسه با دو موسسه حسابرسی، صرفه جویی و کارایی بیشتری را برای گروه شرکت ها به همراه خواهد داشت. به علاوه کارایی و منافع حاصل از صرفه جویی در هزینه ها زمانی بیشتر است که واحد های تجاری تحصیل کننده و تحصیل

شونده در صنعت یکسان و یا مشابه مشغول فعالیت باشند. یافته های تحقیق بنی مهد و اکبری (۱۳۸۹) بر این موضوع دلالت دارد که تغییر مؤسسات حسابرسی بیشتر تحت تأثیر عوامل غیرحسابداری می باشد. تحقیق آنان رابطه بین متغیر های شاخص ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس را طی یک دوره زمانی ۷ ساله مورد بررسی قرار می دهد. استفاده از داده های ترکیبی ۵۶ شرکت مشخص گردید که هیچکدام از متغیر های مذکور با تغییر حسابرس رابطه معنی داری نداشتند؛ اما با افزودن متغیر های کیفی مانند صدور گزارش غیر مقبول در سال قبل از تغییر حسابرس، تغییر مالکیت و همچنین متغیر های کمی اندازه شرکت و نسبت اهرمی به عنوان متغیر های کنترل کننده، نشان داد که عوامل تأثیر گذار بر تغییر حسابرس در ایران، عوامل غیر کمی است. این عوامل مانند عدم تفکیک مالکیت از مدیریت، وجود سهامداران نهادی در ترکیب سهامداران شرکت، وجود سهامداران حقوقی و شبه دولتی در ترکیب سهام شرکت و تصمیم گیری شرکت های هلدینگ برای شرکت های گروه در تغییر مؤسسات حسابرسی نقش دارند. روحی و ایمان زاده (۱۳۸۸) به بررسی دلایل تغییر مؤسسات حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می دهد که حقالزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت و نرخ بازگشت سرمایه بر تغییر مؤسسات حسابرسی اثرگذار است.

انتخاب حسابرسان

در بازارهای سرمایه کشورهای توسعه یافته، که شرکت ها به خدمات حسابرسی با کیفیت بالا نیاز دارند؛ اقدام به انتخاب حسابرسانی میکنند که منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مسائل نمایندگی گردد. بررسی های پیتمن^{۱۱} در سال ۲۰۰۴ نشان می دهد که شش مؤسسه بزرگ حسابرسی با افزایش قابلیت اتکای صورت های مالی صاحبکاران خود، هزینه استقراض این شرکت ها را کاهش داده اند. همچنین استخدام این مؤسسات حسابرسی توسط واحد های تجاری نوپا موجب شده که آنان منابع مالی مورد نیاز خود را با نرخ های بهره پایین تر جمع آوری نمایند. بررسی بیشتر او نشان می دهد، عدم تقارن اطلاعاتی بین قرض دهندگان و قرض گیرندگان، با افزایش عمر شرکت کاهش می یابد. در نهایت یافته های تحقیق بیانگر کاهش ارزش اقتصادی حسن شهرت حسابرسان در اثر افزایش عمر شرکت می باشد به نحوی که به تدریج قرض دهندگان وابستگی خود را به حسن شهرت حسابرسان برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی کم می کنند.

هوپ و دیگران (۲۰۰۸) به بررسی انتخاب حسابرسان و فرهنگ ملی پرداختند. آنان ویژگی پنهان کاری را که بر مبنای عوامل فرهنگی هافستد قرار دارد مورد بررسی قرار دادند. با تحلیل نمونه ای از ۳۷ کشور، یافته های آنان نشان می دهد در کشورهای با سطوح پنهان کاری بیشتر، احتمال کمتری در بکارگیری مؤسسه های بزرگ حسابرسی وجود دارد. دیگر یافته های این تحقیق نشان می دهد،

درجه بین المللی بودن واحد تجاری بر کاهش ارتباط بین ابعاد پنهان کاری فرهنگ ملی و انتخاب حسابرس تأثیر گذار است.

فان^{۱۲} و ونگ (۲۰۰۵) با بکارگیری نمونه‌ای از ۸ کشور آسیای شرقی پی برد که شرکت هایی که در ساختار مالکیت خود با مسائل نمایندگی روبرو هستند، به احتمال زیاد یکی از مؤسسه های بزرگ حسابرسی را انتخاب خواهند کرد. این موضوع زمانی با اهمیت تر می شود که بررسی داده های نمونه نشان می داد؛ حسابرسان مؤسسه های بزرگ، دستمزد بالاتری را در مقایسه با سایر مؤسسه های حسابرسی طلب کرده بودند.

در بازار سرمایه کشورهای در حال توسعه، شرکت ها به خدمات حسابرسی با کیفیت بالا نیاز زیادی ندارند؛ در این کشورها، شرکت ها معمولاً به اظهار نظر مقبول نیاز دارند و به این ترتیب کنترل کنندگان ممکن است حسابرسان را بر اساس معیارهای خود انتخاب کنند (گوکین ۲۰۱۲، ۹). با توجه به تاریخچه و مبانی نظری ذکر شده، در ایران احتمال تغییر مؤسسات حسابرسی با تغییر کنترل کنندگان شرکت (سهامداران اصلی، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل) افزایش خواهد یافت.

فرضیه های تحقیق

فرضیه اول: بین تغییر سهامداران اصلی شرکت و تغییر مؤسسه حسابرسی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین تغییر رئیس هیأت مدیره شرکت و تغییر مؤسسه حسابرسی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تغییر مدیر عامل شرکت و تغییر مؤسسه حسابرسی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر به دلیل اینکه رابطه بین تغییر در کنترل کنندگان و تغییر مؤسسات حسابرسی مورد بررسی قرار میگیرد، از نوع توصیفی و به دلیل استفاده از اطلاعات تاریخی از نظر زمانی جزو تحقیقات گذشته نگر است، همچنین با توجه به اینکه نتایج آن می تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات در نظر گرفته شود، جزو تحقیقات کاربردی طبقه بندی میشود.

جامعه آماری، انتخاب نمونه و روش نمونه گیری

نمونه تحقیق شامل ۶۴ شرکت از بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ می باشد. بر اساس قاعده حذف سیستماتیک موارد زیر در انتخاب نمونه تحقیق در نظر گرفته شده است:

- (۱) جزو شرکت های تخصصی سرمایه گذاری و بانکی نباشند؛ زیرا این شرکت ها ماهیت و طبقه بندی اقلام صورت های مالی متفاوتی دارند.
 - (۲) دوره مالی پایان اسفند ماه هر سال باشد. این امر به دلیل سهولت در تحلیل داده ها است.
 - (۳) داده های آنها در دسترس باشد.
- با توجه به شرایط فوق، تنها ۶۴ شرکت شرایط مذکور را دارا بودند و لذا به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

آمار توصیفی

از ۵۱۲ مشاهده به عمل آمده حدود ۸ درصد از سهامداران کنترلی اصلی، حدود ۲۰ درصد رئیس هیأت مدیره و حدود ۲۵ درصد مدیر عامل شرکت ها تغییر کرده است. در جدول شماره ۳ نمونه آماری به دو گروه شامل "شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر داده اند" و "شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند" تقسیم شده است. همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده است، درصد تغییر مؤسسات حسابرسی در شرکت های دارای تغییر کنترل کنندگان بیشتر است. به عبارت دیگر، اگر کنترل کنندگان شرکت تغییر کنند، احتمال تغییر مؤسسات حسابرسی افزایش مییابد. در نمونه دارای تغییر مؤسسات حسابرسی، احتمال تغییر سهامداران اصلی، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل به ترتیب ۲۴، ۳۲ و ۳۷ درصد میباشد که به صورت معنی داری بیشتر از مقادیر نمونه بدون تغییر مؤسسات حسابرسی است. تفاوت ۱۷ درصدی تغییر سهامداران کنترلی نشان می دهد که عامل مذکور از دو عامل تغییر رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل تأثیر بیشتری دارد.

جدول ۲- درصد تغییر کنترل کنندگان واحد تجاری

مدیر عامل	رئیس هیات مدیره	سهامداران اصلی	درصد تغییر
۲۵	۲۰	۸	

جدول ۳- تغییر کنترل کنندگان با توجه به تغییر (عدم تغییر) حسابرس

تغییر مدیر عامل (درصد)	تغییر رئیس هیات مدیره (درصد)	تغییر سهامداران اصلی (درصد)	
۳۷	۳۲	۲۴	شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر داده اند
۲۴	۱۹	۷	شرکت هایی که حسابرس خود را تغییر نداده اند
۱۳	۱۳	۱۷	تفاوت

روش تجزیه و تحلیل داده ها

از آنجایی که متغیر وابسته (تغییر مؤسسات حسابرسی) یک متغیر مجازی ۱۳ با مقادیر صفر و یک است؛ لذا از روش رگرسیون چند متغیره لجستیک استفاده میشود، اگر شرکتی حسابرس خود را در یک سال تغییر داده باشد، مقدار متغیر وابسته در آن سال برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. همچنین برای آزمون برخی از فرضیهها، از آزمون تی استیودنت استفاده شده است. از آنجایی که در این تحقیق به بررسی رابطه تغییرات کنترل کنندگان و تغییرات مؤسسات حسابرسی پرداخته شده است؛ به این منظور مدل رگرسیونی لجستیک چند متغیره زیر برآزش خواهد شد:

$$\text{Auditorchangeit} = \beta_0 + \beta_1 \text{Holderchangeit} + \beta_2 \text{Chairmanchangeit} + \beta_3 \text{CEOchangeit} + \beta_4 \text{Businesschangeit} + \beta_5 \text{ROAit} +$$

Auditorchange: در صورت تغییر مؤسسات حسابرسی ۱ و در غیر این صورت صفر
 Holderchange: در صورت تغییر سهامداران اصلی شرکت ۱ و در غیر این صورت صفر
 Chairmanchange: در صورت تغییر رئیس هیات مدیره ۱ و در غیر این صورت صفر
 CEOchange: در صورت تغییر مدیر عامل ۱ و در غیر این صورت صفر
 Businesschange: در صورت کسب و کار اصلی شرکت ۱ و در غیر این صورت صفر
 ROA: میانگین نرخ بازده داری ها

تغییر کسب و کار (Businesschange) و میانگین نرخ بازده دارایی ها (ROA)، دو متغیر کنترل در این مدل می باشند. توضیحات در ارتباط با این دو متغیر به شرح زیر می باشد:

○ با تغییر کسب و کار، به احتمال زیاد حسابرس هم تغییر میکنند. به عبارت دیگر با تغییر نوع فعالیت واحد تجاری، ممکن است متناسب با فعالیت جدید، حسابرس نیز جایگزین شود (کوگین ۲۰۱۲، فیرس ۱۹۹۹). با توجه به این توضیحات در خصوص ضریب متغیر کنترل تغییر کسب و کار (β_4)، علامت مثبت مورد انتظار میباشد.

○ یافته های تحقیقات قبلی نشان می دهد که احتمال کناره گیری حسابرس در واحد های تجاری که بازده دارایی های آن ها پایین است، بیشتر می باشد (کوگین ۲۰۱۲، چو و رایس ۱۹۸۲). در این مدل انتظار داریم ضریب متغیر کنترل میانگین نرخ بازده دارایی ها (β_5) منفی باشد. در واقع منفی بودن ضریب β_5 نشان می دهد در صورت افزایش نرخ بازده دارایی ها، احتمال تغییر مؤسسه حسابرسی کاهش خواهد یافت.

ضرایب متغیرهای مدل رگرسیونی با استفاده از آزمون t استیودنت در سطح معنی داری پنج درصد آزمون میگردد و مثبت بودن ضرایب متغیر های مستقل ($\beta_1, \beta_2, \beta_3$) به ترتیب نشان دهنده این است که با تغییر سهامداران اصلی شرکت، رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت، مؤسسه حسابرسی نیز تغییر خواهد کرد. در تحقیق حاضر ابتدا محاسبات اولیه در صفحه گسترده نرم افزار اکسل انجام شده و داده ها برای تجزیه و تحلیل آماده میگردد. سپس به منظور انجام تجزیه و تحلیل های نهایی از نرم افزار SPSS استفاده خواهد شد.

آزمون فرضیه ها

همانطور که انتظار میرفت ضریب تغییر سهامداران اصلی شرکت مثبت است. به عبارت دیگر با تغییر سهامداران اصلی شرکت احتمال تغییر مؤسسات حسابرسی هم افزایش خواهد یافت. ضرایب تغییر رئیس هیات مدیره و تغییر مدیر عامل هم بر مبانی نظری تحقیق منطبق است.

جدول ۳: ضرایب مدل رگرسیون

مدل	علامت مورد انتظار	Beta	T	Sig.
ضریب ثابت			۱,۷۵۴	۰,۰۸۱
تغییر سهامداران اصلی	مثبت	۰,۹۴	۲,۹۶۳	۰,۰۰۶
تغییر رئیس هیات مدیره	مثبت	۰,۳۵	۲,۰۵۰	۰,۰۴۶
تغییر مدیرعامل	مثبت	۰,۲۷	۲,۱۰۶	۰,۰۴۴
تغییر کسب و کار اصلی	مثبت	۰,۳۲	۲,۱۱۰	۰,۰۴۳
نرخ بازده دارایی ها	منفی	۱,۴۱-	۲,۲۵۵-	۰,۰۳۲

نتایج به دست آمده بیانگر این است که تغییر مؤسسات حسابرسی تحت تأثیر تغییر کنترل کنندگان شرکت است. همانطور که در جدول ۴ مشاهده میشود، ضرایب برای تغییر سهامداران اصلی، رئیس هیأت مدیره، مدیر عامل در سطح خطای ۵ درصد معنیدار است. تغییر سهامداران اصلی در سطح خطای یک درصد هم معنی دار است و نشان می دهد این عامل از سایر عوامل تأثیر گذارتر است. با توجه به نتایج مدل، ضریب نرخ بازده دارایی های شرکت هم منفی شده و بیانگر رابطه معکوس بین تغییر مؤسسات حسابرسی و نرخ بازده دارایی ها می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به اینکه تغییر و انتخاب مؤسسه حسابرسی دارای تأثیر زیادی بر کیفیت کار حسابرسی است، در تحقیقات داخلی و خارجی مورد توجه زیادی قرار گرفته است. بسیاری از ادبیات مربوط به موضوع از دید نوع اظهار نظر حسابرسی به این موضوع پرداخته است، سایر ادبیات تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های نمایندگی را بر تغییر و انتخاب مؤسسه حسابرسی مورد آزمون قرار داده است. در بازار سرمایه کشورهای توسعه یافته، که شرکت ها به خدمات حسابرسی با کیفیت بالا نیاز دارند؛ حسابرسانی را انتخاب میکنند که شرایطی مانند عدم تقارن اطلاعاتی و مسائل نمایندگی کاهش یابد. به نظر نمیرسد در بازار سرمایه کشورهای در حال توسعه، شرکت ها به خدمات حسابرسی

با کیفیت بالا نیاز داشته باشند. در این کشورها، شرکت ها معمولاً به اظهار نظر مقبول نیاز دارند و به این ترتیب کنترل کنندگان ممکن است حساب‌رسان را بر اساس معیارهای خود انتخاب کنند (گوکین ۲۰۱۲، ۹). از این رو تأکید تحقیق حاضر بر رابطه بین تغییر کنترل کنندگان و تغییر مؤسسه حسابرسی است. نتایج این تحقیق با یافته های دیگر محققان (گوکین، ۲۰۱۲؛ بیتی و فرنلی، ۱۹۹۵؛ فیرس، ۱۹۹۰) و مبانی نظری تحقیق در تطابق است. شواهد حاکی از این است که بین تغییر مؤسسه حسابرسی و تغییر کنترل کنندگان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد؛ یعنی اگر تغییری در کنترل کنندگان شرکت رخ دهد، به احتمال زیاد مؤسسه حسابرسی هم تغییر خواهد کرد. در واقع با توجه به رابطه ای که در حال حاضر بین حسابرس-مشتری وجود دارد، نمایندگان واحد های تجاری اقدام به انتخاب حساب‌رسان می نمایند. به همین دلیل با تغییر کنترل کنندگان واحد تجاری، ممکن است مؤسسه حسابرسی دیگری استخدام شود. یافته های این پژوهش به گونه ای تجربی به تحلیلگران، سرمایه گذاران، مدیران و سایر استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری نشان می دهد که در بازار سرمایه تهران حساب‌رسان معمولاً با توجه به معیار های شخصی حاکمیت شرکت انتخاب می شوند. در ضمن پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی از معیارهای دیگری مانند نوع اظهار نظر حسابرسی که ممکن است در تغییر مؤسسات حسابرسی موثر باشد، استفاده شود.

پی نوشت ها:

- 1- Auditor changes
- 2- Opinion shopping
- 3- Firth
- 4- Chow and Rice
- 5- Krishnan and Stephen
- 6- Geng and Yang
- 7- Lennox
- 8- Schwartz and Menon
- 9- Guoqian
- 10- Beattie and Fearnley
- 11- Pittman
- 12- Fan
- 13- Dummy
- 14- Zhang
- 15- Liu

منابع و مآخذ

- ۱- بنی مهد، بهمن. اکبری، رضا. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین متغیرهای ورشکستگی آلتمن و تغییر حسابرس". مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ششم، ص ۲۳-۳۱.
- ۲- روحی، علی. پیمان زاده، ایمان. (۱۳۸۸). "بررسی دلایل تغییرات حسابرسان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پژوهش نامه حسابداری مالی و حسابرسی. شماره هفتم. ص ۳۰-۴۴.
- 1- Beattie, V., Fearnley, S., 1995. "The importance of audit firm characteristics and the drivers of auditor change in UK listed companies". *Accounting and Business Research* 25, 227-239.
- 2- Chow, C.W., Rice, S.J., 1982. "Qualified audit opinions and auditor switching". *The Accounting Review* (April), 326-335.
- 3- Fan, J., Wong, T.J., 2005. "Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia". *Journal of Accounting Research* 43 (1), 35-72.
- 4- Firth, M., 1999. "Company takeovers and the auditor choice decision". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 8 (2), 197-214.
- 5- Geng, J., Yang, H., 2001. "An analysis on auditor change in China". *Accounting Research* 4 (in Chinese).
- 6- Guoqian, T., 2012, "Controller changes and auditor changes". *China Journal of Accounting Research* 5 (2012), 45-58.
- 7- Hope, O., Kang, T., Thomas, W., Yoo, K., 2008. "Culture and auditor choice: A test of the secrecy hypothesis". *J. Account. Public Policy* 27, 357-373.
- 8- Krishnan, J., Stephen, R.G. 1999. "Evidence on opinion from audit opinion conservatism". *Journal of Accounting and Public Policy* Autumn, 179-201.
- 9- Liu, F., Zhao, J., Tu, G., Huang, Y., 2010. "Does the right of choosing the auditor matters: a test of auditor reputation". *Accounting research* 12, 49-56.
- 10- Lennox, C., 2000. "Do companies successfully engage in opinion-shopping? Evidence from UK". *Journal of Accounting and Economics* 29 (2000) 321-337.
- 11- Lennox, C., 2005. "Managerial ownership and audit firm size". *Contemporary Accounting Research* 22 (1), 205-227.
- 12- Pittman, J.A., Fortin, S., 2004. "Auditor choice and the cost of debt capital for newly public firms". *Journal of Accounting and Economics* 37, 113-136.
- 13- Schwartz, K.B., Menon, K., 1985. "Auditor switches by failing firms". *The Accounting Review* (April), 248-261.
- 14- Zhang, Y., Zhang, L., 2007. "The threat on independence and the effects of audit committee: theory analysis and empirical research". *Accounting Research* 10 (in Chinese).

